

## بازی نیمه تمام در گرجستان

سرویس گرجستان/خبرگزاری آران

به قلم : محمد فرهاد کلینی (کارشناس ارشد مسائل استراتژیک):

بازی نیمه تمام در گرجستان محمد فرهاد کلینی (کارشناس ارشد مسائل استراتژیک): جنگ در منطقه اوستیای جنوبی یک واقعه جدید در منطقه نبود بلکه ریشه ها و عوامل و منابع آن از قبل مهیا شده بود. طرفین آمادگی چنین وضعیتی را داشتند. طی هفته های گذشته شاهد مسائل مختلفی از قبیل وقوع انفجار بودیم که منجر به تشدید شرایط بحرانی می شد. از لحاظ وضعیت سیاسی هم یک آمادگی روانی طی هفته های اخیر در خصوص احتمال شعله گرفتن جنگ در منطقه به وجود آمده بود. میخائیل ساکاشویلی، رئیس جمهور گرجستان با توجه به اینکه موفق شده بود برخی مسائل جدایی طلبی را در منطقه آجاریا خصوصاً بعد از به قدرت رسیدن حل کند، تصور می کرد می تواند با ورود به مسائل اوستیا و آبخازیا بحث تمامیت ارضی گرجستان را دنبال کند. از طرفی ناتو نیز برای عضویت گرجستان شرط کرده بود یکی از استاندارها بحث حاکمیت دولت بر مناطق سرزمینش است. به همین علت رئیس جمهور گرجستان تصمیم گرفت تا این موضوع را هر چه سریع تر فیصله دهد. از سوی دیگر، کیفیت پاسخی که روسیه درخصوص این موضوع داد، بسیار قابل توجه بود و محاسبات ساکاشویلی را تا حدودی تغییر داد. درخصوص گرجستان ما هنوز بحث انقلاب مخملی و اقداماتی را که بنیاد سوروس سعی کرد در فضای سیاست داخلی گرجستان دنبال کند، از خاطرات خود پاک نکرده ایم. نوع نگاه امریکا و اروپا در این موضوع متفاوت است. این تفاوت در خصوص عضویت گرجستان در ناتو شکل گرفت. در حالی که روسیه و فرانسه مخالف عضویت گرجستان در ناتو بودند، امریکا بر این موضوع اصرار داشت. امریکا در منطقه گرجستان نیروهای نظامی محدودی دارد و در این حوزه تلاش کرده است تا بیشتر در تمرین ها و آموزش های نظامی و کمک اطلاعاتی نقش ایفا کند. قبل از وقوع جنگ اخیر نیز مانورهای مشترکی توسط امریکا و گرجستان تحت عنوان مبارزه با تروریست در منطقه انجام شد و البته روسیه هم متعاقب آن مانورهایی انجام داد. به هر حال، نوعی رقابت امنیتی و نظامی وجود دارد و این سؤال که آیا امریکا، گرجستان را تنها می گذارد و یا تلاش می کند مرحله جدیدی را با گرجستان طی کند، سؤالی است که باید در آینده نه چندان دور پاسخ آن را بیابیم. از سوی دیگر، اسرائیل علاقه خاصی به مکش انرژی از منطقه دارد و بسیار تلاش می کند در حوزه های انفکاک ایران و روسیه ورود پیدا کند. این نکته ای است که خود آنها هم پنهان نمی کنند و سعی می کنند نفوذ امنیتی و نظامی خود را در منطقه افزایش دهند که این را در موضوعات مختلف چه در آذربایجان و چه در گرجستان شاهد بوده ایم. سایت دیکا که متعلق به رژیم صهیونیستی است، کاملاً به واگذاری سلاح توسط اسرائیل به گرجستان اعتراف کرده است. البته اسرائیل پس از تذکراتی که از جانب روسیه دریافت کرد، اعلام نمود که مخالف هرگونه ارسال تجهیزات نظامی به منطقه است اما روسیه تأکید می کند که این چنین اقدامی صورت پذیرفته و در این زمینه ترکیه و اوکراین را نیز شاهد مثال آورده است. در شرایط کنونی بسیاری از کسانی که می خواستند با روسیه تسویه حساب کنند، گرجستان را انتخاب کردند. روسیه براساس شرایط موجود سعی کرد نسبت به حاشیه نزدیک خود واکنش قاطعی نشان دهد. رفتار غرب در قفقاز شمالی رفتار جدیدی نیست. روسیه می داند که منبع تهدید از کجا سامان می گیرد. درخصوص ادامه بحران در قفقاز اگر شرایط به گونه ای پیش برود که سیستم انتقال انرژی و کریدور ترانزیتی تحت بحران قرار گیرد یا راه آهن جدید و خطوط انرژی با چالش مواجه شود معادلات تغییر خواهد کرد، یقیناً غرب برای اینکه خود نمی تواند از آن استفاده کند، اجازه نمی دهد که این معادلات به نفع کس دیگری تمام شود

و احتمال اینکه شاهد پاسخ های تندتری از سوی غرب باشیم، وجود دارد. همانطور که دیک چنی در تماس تلفنی با ساکاشویلی به این نکته تأکید کرده است که امریکا به این موضوع پاسخ خواهد داد. امروزه شاهد تحکیم قدرت روسیه در سلاح های استراتژیک هستیم و هم زمان این کشور یک ورود جدید به ژئوپولیتیک دارد. مسابقه تسلیحاتی بین روسیه و غرب امروزه در ابعاد جدیدی مطرح است و مسابقه ژئوپولیتیکی نیز به عنوان یک عامل موازنه ساز مطرح می باشد. به همین جهت، مباحثی مانند استفاده از نقش کوبا و یا سپرموشکی در چک و یا جایگاه گرجستان درخصوص بحث سیستم های راداری جدید غرب در منطقه مجموعه به هم پیوسته و زنجیره وار است. روسیه در این شرایط تلاش کرده است از یک مدل عملگرایانه برای تغییر موازنه استفاده کند. به همین خاطر در حال تعریف رویکرد جدیدی در منطقه است که در چارچوب دکترین جدید سیاست خارجی و دکترین دفاعی که در سپتامبر اعلام خواهد شد، با افزایش منابع قدرت، تأثیرگذاری منطقه ای خود را افزایش خواهد داد. روسیه اتکا بر ژئوپولیتیک را در دفع تهدید و خلق فرصت کنار نخواهد گذاشت و به سمت تبیین خطوط قرمز در حاشیه نزدیک سیاست خارجی حرکت می کند. بنابراین، باید در انتظار نوعی اقتدارگرایی بیشتر در حوزه سیاست خارجی روسیه باشیم. همچنین بازی نیمه تمامی که براساس نوعی خوش بینی به غرب و احتیاط در روابط با آن در جریان بود، امروز وارد مرحله جدیدی شده است و روسیه احتیاط بیشتری را در روابط با غرب اعمال می کند و به نظر می رسد که تغییر شیوه مدیریت کلان روسیه که از زمان پوتین شروع شد، در حال حاضر به سمت یک دموکراسی قدرتمند یا اقتدارگرا در حرکت است. ناسیونالیزم جدید روسی در روابط خارجی بر نگاه ارتدوکس روسی، به شکلی که در دهه یلتسین شاهد آن بودیم، غلبه خواهد کرد و در سطح تصمیم گیری، نقش سازمان های امنیتی، نظامی روسیه خصوصاً در حوزه سیاست خارجی پررنگ تر می شود. در این فرآیند، حل مسائل با نسخه روسی به جای تعامل غربی که معمولاً جناح های اقتصادی و یا سیاسی روسیه مطرح می کردند، کیفیت جدیدی را به خود می گیرد. روسیه اکنون رسالت جدیدی را برای خود سازمان می دهد و به نظر می رسد که نظریاتی مثل اوراسیای جدید در طوفان اوستیا تحت تأثیر همین ایده باشد. روسیه مواضع جدید خود را محکم می کند و تلاش می کند تا از انتقال بحران از حوزه آتلانتیک به آسیا جلوگیری کند. به هر حال، ما از یک طرف شاهد افزایش وزن روسیه در معادلات منطقه ای و بین المللی هستیم و از طرف دیگر، این اتفاق زمانی در حال وقوع است که سیاست یکجانبه گرایی و هژمون طلب غرب تحت یک رادیکال و سؤال بزرگ قرار دارد و در حال ریزش است و بر همین اساس، روسیه فضای بهتری را برای یک نوع انبساط سیاسی احساس می کند و در این شرایط است که روسیه تحمل بازی دوگانه غرب نسبت به خود را نمی پسندد. با این حال، اروپایی ها از یک نوع نگاه متعادلتری برخوردارند و آن شدت و شتاب امریکا را تقلید نمی کنند. استراتژی جدید را که اتحادیه اروپا برای آسیای مرکزی در دوران صدارت آلمان بر اتحادیه اروپا تهیه کرد، منوط به دریچه گرجستان است. اگر این دریچه با بحران مواجه شود، طبیعتاً برنامه های دیگر اتحادیه اروپا متوقف خواهد شد. بنابراین، اروپا بایستی نگاه دقیق تری را در برنامه هایش برای همکاری در منطقه دنبال کند. امید است که این بحران مهار شود و از ادامه تحریکات، خصوصاً بازی با احساسات روسیه خودداری شود، با توجه به اینکه اوستیا یک قوم تاریخی ایرانی هستند، این روند نگران کننده است و دولت گرجستان باید تناسب و تعادل بیشتری را بر مدیریت بحران حاکم کند. اگر این مسائل مراعات شوند، تقریباً می توان گفت که از گسترش بحران جلوگیری شده و در مراحل بعدی بایستی یک سیاست متوازن تری را در چارچوب حقوق ملی و رفتار سیاست خارجی شاهد باشیم.